بررسی وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی شهرستان قوچان

علی‌اکبر براتی[۱]

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی کشاورز و غیر کشاورز شهرستان قوچان از استان خراسان می‌پردازد. بدین منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی، ۲۶۵ خانوار انتخاب و داده‌ها به وسیله پرسش‌نامه و مصاحبه حضوری با آنها جمع‌آوری شد. برای تحلیل، از تکنیک ضریب جینی، مقایسه پنجک‌ها، منحنی لورنز و محاسبه نسبت‌های درآمدی استفاده شد. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان داد که میزان نابرابری در توزیع درآمد بین خانوارهایی که تنها به کشاورزی اشتغال دارند، بیشتر از خانوارهایی بود که تنها به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال داشتند. مقدار ضریب جینی در بین خانوارهای گروه اول ۰/۵۳ و در بین خانوارهای گروه دوم ۰/۴۲ بود. هم‌چنین بهترین وضعیت توزیع درآمد مربوط به خانوارهایی بود که علاوه بر اشتغال در بخش کشاورزی به فعالیت‌های غیرکشاورزی نیز مشغول بودند. مقدار ضریب جینی در بین این گروه ۰/۳۶ تعیین گردید. به نظر می‌رسد فعالیت‌های غیرکشاورزی که در کنار کشاورزی انجام می‌شود، نقش چشمگیری در کاهش نابرابری‌های درآمدی در منطقه مورد مطالعه داشته است.

واژه‌های کلیدی: توزیع درآمد، ضریب جینی، منحنی لورنز، قوچان

مقدمه

نگاهی گذرا به تاریخچه توسعه روستایی نشان می‌دهد که طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، توسعه کشاورزی به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفت. در اواخر دهه ۱۹۶۰و در طول دهه ۱۹۷۰ شاهد تأکید بیشتر بر افزایش بازدهی کشاورزی بودیم، ولی تجربه نشان داد که با وجود افزایش کل تولیدات کشاورزی، نابرابری‌ها به دلیل توزیع نامناسب این افزایش تولید، تشدید شده است (۴).

به عقیدهٔ بسیاری از محققین و سیاستگذاران در گذشته (قبل از دهه هشتاد قرن بیستم) اقتصاد روستایی در کشورهای درحال توسعه، مترادف با بخش کشاورزی بوده است. در سال‌های اخیر این دیدگاه عوض شده، به طوری که تحقیقات اخیر نشان داده‌اند، درآمد بسیاری از خانوارهای روستایی حاصل از بیش از یک منبع درآمدی است. درآمدهای حاصل از فعالیت در بخش غیرکشاورزی در نواحی روستایی سهم بسزایی از کل درآمد خانوار را به خود اختصاص داده و در کاهش فقر روستایی مؤثر

۱. کارشناس ارشد توسعه روستایی، سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی

[Downloaded from iutjournals.iut.ac.ir on 2026-02-05]

[DOR: 20.1001.1.24763594.1385.10.2.2.9]

بوده است (۱۷).

پژوهش‌های مختلفی درخصوص بررسی وضعیت توزیع درآمد در نواحی روستایی و مقایسه دو بخش کشاورزی و غیر کشاورزی در سطح جهان صورت گرفته است.

در تحقیقی که به وسیله پارسارادی و سام بی رادی (۱۵) در کشور هندوستان صورت گرفت مشخص شد که فعالیت‌های غیرکشاورزی از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای فقرا و در نتیجه افزایش سطح درآمد آنها و هم‌چنین از طریق تحرک بازار کار فعالیت‌های موقتی و افزایش سطح دستمزد این قبیل فعالیت‌ها موجب بهبود وضعیت زندگی روستاییان شده است.

لانجو و همکارانش (۱۳،۱۲،۱۱ و۱۴) طی پژوهش‌های مستقلی که در کشورهای تانزانیا، اکوادور و هندوستان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که اشتغال به فعالیت‌های غیرکشاورزی نسبت به کشاورزی طی یک دوره زمانی معین، به بهبود وضعیت فقر در نواحی روستایی به ویژه در بین خانوارهای شاغل در فعالیت‌های غیرکشاورزی منجر شده است.

مطالعهٔ رردون و همکارانش در مناطق روستایی آمریکای لاتین و آفریقا حکایت از بهتر بودن وضعیت توزیع درآمد در بین شاغلین بخش‌های غیرکشاورزی نسبت به کشاورزی در آمریکای لاتین و بدتر بودن آن در نواحی روستایی آفریقا دارد (۱۶).

مطالعه ریچارد و آدامز (۱۷) در سال ۱۹۹۷ بر روی تأثیر درآمد حاصل از فعالیت‌های غیر زراعی بر وضعیت توزیع درآمد در کشورهای مصر و اردن نشان داد که درآمد حاصل از منابع درآمدی غیرکشاورزی در کشور مصر موجب کاهش نابرابری‌های درآمدی در نواحی روستایی شده است و این در حالی است که تأثیر آن در کشور اردن عکس بوده، یعنی نابرابری‌های درآمدی را افزایش داده است.

مطالعهٔ دی نینگر و الینتون (۱۰) در کشور کلمبیا که طی سال ۲۰۰۱ صورت گرفت نشان داد که فعالیت‌های غیرکشاورزی در نواحی روستایی با فراهم آوردن امکان فرصت‌های شغلی جدید و کسب درآمد بیشتر در درازمدت، نسبت به فعالیت‌های کشاورزی، به افزایش بیشتر سطح رفاه عمومی جامعه روستایی منجر می‌گردد.

مطالعه کاناگاراجا و همکارانش (۹) در سال ۲۰۰۱ در کشورهای غنا و اوگاندا نشان داد که درآمدهای حاصل از فعالیت‌های غیر زراعی نسبت به زراعی موجب بهبود وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی این کشورها شده است. این وضعیت در بین خانوارهای واقع در سطوح پایینِ درآمدی بهتر از خانوارهای واقع در سطوح بالای درآمدی بوده است.

در ایران نیز مطالعات بسیاری روی وضعیت توزیع درآمد در نقاط مختلف کشور صورت گرفته است، از جمله مطالعهٔ آسایش (۱) در سال ۱۳۷۶ و ارسلان بد(۲) در سال ۱۳۷۹ که به بررسی وضعیت نابرابری بین شهر و روستا در ایران پرداخته‌اند و مطالعهٔ توده روستا و میر محمد صادقی (۳) در سال ۱۳۸۲ که به بررسی توزیع درآمد در نواحی دشت و کوه شهرستان ساوجبلاغ پرداخته است. اما بیشتر این مطالعات به بررسی و مقایسه وضعیت توزیع درآمد در بین نواحی مختلف پرداخته و به مقایسه در بین گروه‌های شغلی مختلف نپرداخته‌اند. تنها کوپاهی(۶) در سال ۱۳۵۰ طی مطالعه‌ای که در روستاهای شهرستان کرج انجام داد به این نتیجه رسید که میانگین درآمد سالیانه کشاورزان کمتر از غیرکشاورزان بوده و برای هر دو گروه، توزیع درآمد به طور چشمگیری اریب بوده است، به طوری که ۳۰ درصد خانوارهای مورد مطالعه، تنها ۷ درصد کل درآمد را داشته‌اند و ۹ درصد خانوارهای بالای درآمدی، ۴۰ درصد از کل درآمد را به خود اختصاص داده‌اند.

با توجه به ساختار دو بخشی نواحی روستایی (کشاورزی و غیرکشاورزی) در اغلب نواحی جهان از جمله ایران، به راستی هر یک از این بخش‌ها چه تأثیری بر وضعیت توزیع درآمد در نواحی روستایی داشته‌اند؟ وضعیت توزیع درآمد در بین شاغلین

[Downloaded from iutjournals.iut.ac.ir on 2026-02-05]

[DOR: 20.1001.1.24763594.1385.10.2.2.9]

این دو بخش چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟ این پرسش‌ها موضوعاتی است که این تحقیق به دنبال پاسخگویی به آنهاست.

اهداف پژوهش حاضر عبارت است از: ۱) بررسی وضعیت توزیع درآمد در نواحی روستایی شهرستان قوچان استان خراسان و ۲) مقایسهٔ توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی شاغل در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی.

مواد و روش‌ها

این پژوهش با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده در سال ۱۳۸۰ از بین خانوارهای روستاهای بالای ۲۰ خانوار شهرستان قوچان از استان خراسان صورت گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش خانوارهای روستایی ساکن در بخش‌های مرکزی و باجگیران بودند که جمعاً بالغ بر ۱۸۴۶۰ خانوار می‌شوند.

شهرستان قوچان یکی از شهرستان‌های استان خراسان است که در ۱۲۵ کیلومتری شمال شهر مشهد واقع شده است. بر طبق آمار رسمی بانک مرکزی در سال ۱۳۷۵، این شهرستان دارای ۳ شهر، ۹ دهستان و ۳۳۳ پارچه آبادی بوده است. در آبان سال ۱۳۷۵ این شهرستان دارای ۲۳۶۸۷۵ نفر جمعیت بوده که از این تعداد ۵۹/۲۵ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. از کل جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۷۵ ، ۴۱/۴۸ درصد در گروه‌های شغلی «کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری»، ۶/۵۱ درصد در گروه «عمده فروشی، خرده فروشی و تعمیرات»، ۷/۹۵ درصد در گروه شغلی «صنعت» و ۴۴/۶ درصد نیز در سایر گروه‌های عمده فعالیت‌های اقتصادی به کار اشتغال داشته‌اند. این نسبت‌ها برای نواحی روستایی به ترتیب عبارت از ۵۹/۱۵ درصد، ۱/۴۵ درصد، ۶/۶۱ درصد و ۳۲/۷۹ درصد است (۷).

برای انتخاب خانوارها از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی استفاده شد. تعداد کل خانوارهای انتخابی برای مطالعه با توجه به سطح دقت ۹۰ درصد با استفاده از فرمول کوکران ۲۶۵ خانوار تعیین گردید. بعد از انتخاب روستاها، از هر روستا متناسب با تعداد خانوارهایش، تعدادی خانوار به صورت تصادفی برای مطالعه انتخاب گردید. جمع آوری داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه حضوری و تکمیل پرسش‌نامه صورت گرفت.

منبع درآمد روستاییان از دو بخش کشاورزی و غیرکشاورزی فرض و هر بخش به صورت مستقل مورد پرسش واقع شد. منابع درآمدی کشاورزی شامل درآمدهای حاصل از زراعت، دامداری و باغداری بود. منابع درآمدی غیرکشاورزی نیز شامل درآمدهای حاصل از مشاغل کارمندی، کارگری، رانندگی، مغازه‌داری، دست‌فروشی و از این قبیل می‌باشد. برای محاسبه درآمد خالص حاصل از بخش کشاورزی، ارزش محصولات تولیدی هر خانوار از بخش‌های زراعی، دامی و باغی، محاسبه و هزینه‌های مختلف تولید از آن کسر و درآمد خالص به دست آمد. برای انجام محاسبات لازم از نرم افزارهای SPSS و Excel استفاده شد. به منظور بررسی وضعیت توزیع درآمد از تکنیک‌های استاندارد ضریب جینی، منحنی لورنز، مقایسه پنجک‌های درآمدی و مقایسه نسبت سهم گروه‌های درآمدی پردرآمد به کم درآمد استفاده شد. در ادامه برای آشنایی بیشتر، هر یک از این روش‌ها به اختصار توضیح داده می‌شود.

از ضریب جینی برای اندازه‌گیری نابرابری نسبی درآمد استفاده می‌شود. این ضریب از تقسیم ناحیه L در شکل ۱ بر مساحت مثلث ABC به دست می‌آید و مقدار عددی آن بین یک و صفر قرار دارد.

این ضریب برای کشورهایی که توزیع درآمد بسیار نابرابر دارند، عموماً بین ۰/۵ تا ۰/۷ بوده در حالی که در کشورهایی که توزیع درآمد عادلانه دارند، بین ۰/۲ تا ۰/۳۵ است. ساده‌ترین فرمول محاسباتی جهت دست‌یابی به ضریب جینی عبارت است از (۸) :

$$G = ۱ - \sum (x_{i+۱} - x_i)(y_{i+۱} + y_i) \qquad [۱]$$

در این فرمول G ضریب جینی، x_i درصد تجمعی جمعیت در طبقه i، $x_{i+۱}$ درصد تجمعی جمعیت در طبقه (i+۱)، y_i درصد تجمعی درآمد در طبقه i، $y_{i+۱}$ درصد تجمعی درآمد در طبقه (i+۱) می‌باشد.

[Downloaded from iutjournals.iut.ac.ir on 2026-02-05]

[DOR: 20.1001.1.24763594.1385.10.2.2.9]

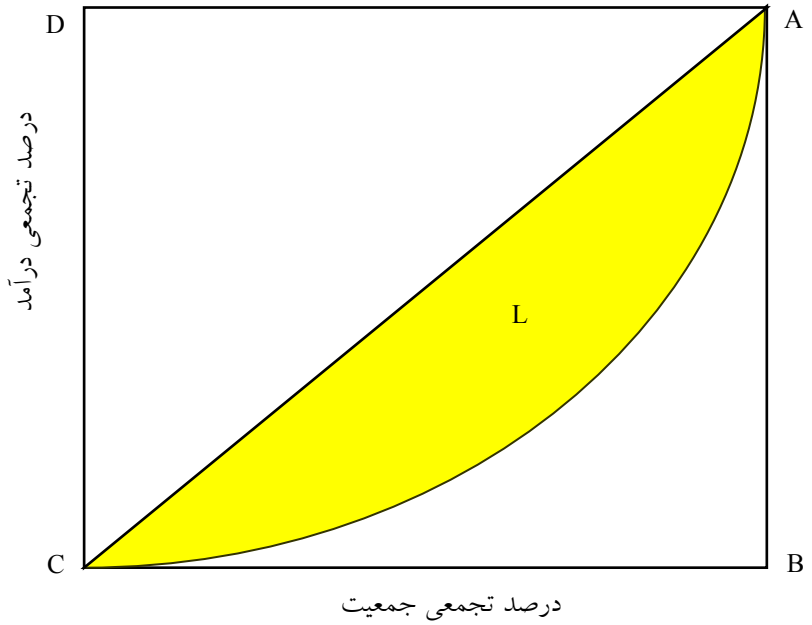

شکل ۱. منحنی لورنز

منحنی لورنز در واقع مکان هندسی نقاطی است که مختصات آنها درصدهای تجمعی جمعیت و درآمد است (شکل ۱). هر چه توزیع درآمد در جامعه‌ای نابرابرتر باشد، منحنی لورنز از قطر مربع فاصله بیشتری خواهد گرفت و بالعکس. اگر توزیع درآمد در جامعه‌ای کاملاً برابر باشد، در آن صورت هر درصد از افراد جامعه به همان درصد از درآمد جامعه برخوردار خواهند بود. به عنوان مثال، ۳۰ درصد از افراد جامعه، ۳۰ درصد از درآمد را به خود اختصاص خواهند داد. در این صورت منحنی مماس بر قطر مربع خواهد بود. این حالت معمولاً در هیچ جامعه‌ای به وقوع نمی‌پیوندد.

در روش مقایسه پنجک‌های درآمدی بعد از مرتب نمودن افراد جامعه از روی سطح درآمد، افراد مورد نظر به پنج گروه مساوی تقسیم شده و سهم درآمدی هر پنجک محاسبه می‌گردد. هر چه اختلاف درآمدی بین پنجک‌های مختلف از کل درآمد بیشتر باشد، نابرابری نیز در جامعه بیشتر خواهد بود (۵).

در نسبت سهم گروه‌های پردرآمد به کم درآمد نیز معمولاً سهم درآمدی ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به ۴۰ درصد خانوارهای کم درآمد محاسبه شده و مورد مقایسه قرار می‌گیرد. هر چه این نسبت‌ها بزرگ‌تر باشد، نشان دهندهٔ نابرابری بیشتری خواهد بود (۵).

نتایج و بحث

۱. بررسی وضعیت توزیع درآمد در بین شاغلین بخش کشاورزی و غیرکشاورزی جامعه مورد مطالعه

الف) مقایسه ضرایب جینی

برای به دست آوردن ضریب جینی، ابتدا درصدهای تجمعی درآمد و جمعیت (جدول ۱) برای هر یک از گروه‌های شغلی محاسبه و سپس با استفاده از فرمول ۱، ضریب جینی برای هر یک از گروه‌های شغلی کشاورزی، غیرکشاورزی و شاغلینی که به هر دو کار کشاورزی و غیرکشاورزی اشتغال داشتند، محاسبه شد. اطلاعات مربوط به درصدهای تجمعی درآمد و جمعیت در جدول ۱ و ضرایب جینی در جدول ۲ آمده است.

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، ضریب جینی در بین شاغلین بخش کشاورزی (G_a) نسبت به ضریب جینی مربوط به شاغلین در بخش غیرکشاورزی (G_n) بالاتر است. این موضوع به بدتر بودن وضعیت توزیع درآمد در بین شاغلین

[Downloaded from iutjournals.iut.ac.ir on 2026-02-05]
[DOR: 20.1001.1.24763594.1385.10.2.2.9]

جدول ۱. درصدهای تجمعی درآمد و جمعیت به تفکیک گروه‌های شغلی

شاغلین فعال در بخش کشاورزی		شاغلین فعال در بخش غیرکشاورزی		شاغلینی که هم به کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیر کشاورزی اشتغال دارند	
درصد تجمعی جمعیت	درصد تجمعی درآمد	درصد تجمعی جمعیت	درصد تجمعی درآمد	درصد تجمعی جمعیت	درصد تجمعی درآمد
۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۰/۳	۳۸/۳	۱۱/۱	۳۲	۹/۶	۲۳/۸
۲۰/۲	۵۶/۴	۲۱/۲	۴۸/۲	۲۰/۲	۴۱/۷
۳۰/۷	۷۰/۱	۳۱/۱	۶۱/۹	۲۹/۸	۵۵
۴۰/۴	۷۹/۵	۴۱	۷۱/۷	۴۰/۴	۶۶/۳
۵۰/۳	۸۶/۷	۵۰/۹	۷۹/۶	۵۰/۱	۷۵/۱
۶۰/۱	۹۲/۱	۶۰/۵	۸۶/۴	۶۰/۵	۸۳/۵
۶۹/۸	۹۶/۳	۷۰/۶	۹۱/۵	۷۰/۲	۸۹/۸
۷۹/۷	۹۸/۵	۸۰/۴	۹۶/۱	۸۱	۹۵/۱
۸۹/۴	۹۹/۶	۹۱/۳	۹۸/۵	۹۰/۵	۹۸
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع : یافته‌های تحقیق

جدول ۲. ضرایب جینی به تفکیک گروه‌های شغلی

گروه شغلی	ضریب جینی
شاغلین فعال در بخش کشاورزی	G_a= ۰/۵۳
شاغلین فعال در بخش غیرکشاورزی	G_n= ۰/۴۲
شاغلینی که هم به کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیر کشاورزی اشتغال دارند	G_t= ۰/۳۶

منبع : یافته‌های تحقیق

بخش کشاورزی نسبت به غیرکشاورزی اشاره می‌کند و ممکن است ناشی از عدم توزیع یکسان عوامل تولید کشاورزی به ویژه زمین در بین کشاورزان منطقه باشد. این ضریب برای افرادی که هم به کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیرکشاورزی به صورت توأم اشتغال دارند (G_t) نسبت به ضرایب مربوط به دو گروه دیگر کمتر است. اگر با استفاده از داده‌های جدول ۱ منحنی لورنز را برای هر یک از این سه گروه رسم نماییم (شکل ۲) نتایج مشابهی به دست خواهد آمد. بنابراین به نظر می‌رسد اشتغال به کارهای غیرکشاورزی، درحالی که فرد در مزرعه خانواده نیز فعالیت می‌کند، می‌تواند به بهبود وضعیت توزیع درآمد در سطح روستا بینجامد.

ب) محاسبه و مقایسه پنجک‌ها

جدول ۳ پنجک‌های جمعیتی و سهم هر یک از این پنجک‌ها را از کل درآمد نشان می‌دهد. همان طور که ملاحظه می‌شود ۲۰ درصد از فقیرترین افراد شاغل در بخش کشاورزی (پنجک پنجم) ۱/۶ درصد از کل درآمدهای این گروه و۲۰ درصد از ثروتمندترین افراد این گروه (پنجک اول) ۵۶/۵ درصد از کل

[Downloaded from iutjournals.iut.ac.ir on 2026-02-05]

[DOR: 20.1001.1.24763594.1385.10.2.2.9]

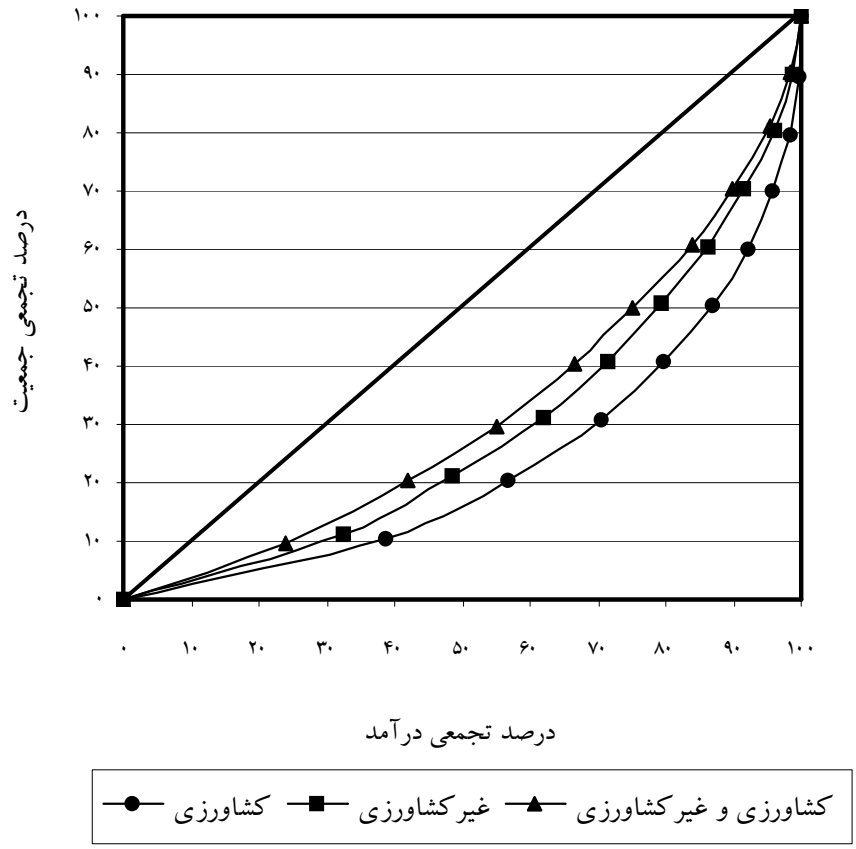

شکل ۲. منحنی لورنز مربوط به شاغلین کشاورزی، غیرکشاورزی و شاغلین در هر دو بخش

جدول ۳. مقایسه پنجک‌های جمعیتی و سهم هر یک از این پنجک‌ها از کل درآمد در بین گروه‌های شغلی

پنجک	سهم از کل درآمد گروه مربوط		
	کشاورزی	غیرکشاورزی	کشاورزی و غیر کشاورزی
۱	۵۶/۵	۴۸/۵	۴۲/۱
۲	۲۳	۲۳/۱	۲۴/۴
۳	۱۲/۴	۱۴/۶	۱۷/۳
۴	۶/۵	۹/۷	۱۱/۴
۵	۱/۶	۴/۱	۴/۸

منبع : یافته‌های تحقیق

درآمدها را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد شاغلین بخش کشاورزی افراد واقع در پنجک پنجم (فقیرترین افراد) ۴/۱ درصد از درآمدهای این گروه را به خود اختصاص داده، در حالی که افراد پنجک اول ۴۸/۵ درصد از کل درآمدهای این گروه را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد افراد گروه سوم، یعنی افرادی که هم به شغل کشاورزی و هم به مشاغل

[Downloaded from iutjournals.iut.ac.ir on 2026-02-05]

[DOR: 20.1001.1.24763594.1385.10.2.2.9]

جدول ۴. مقایسه میانگین سن، سطح سواد* و تعداد خانواده برای سه گروه مورد مطالعه به تفکیک پنجک‌های درآمدی

پنجک	کشاورزی			غیرکشاورزی			کشارزی و غیرکشاورزی		
	سن	سواد	اندازه خانواده	سن	سواد	اندازه خانواده	سن	سواد	اندازه خانواده
۱	۵۲/۱	۱/۷	۷/۱	۳۶/۸	۲/۷	۵/۹	۴۰/۷	۳/۱	۶/۶
۲	۴۷/۸	۲/۰	۵/۶	۳۱/۷	۳/۵	۴/۱	۴۳/۹	۲/۸	۶/۵
۳	۵۲/۴	۱/۹	۶	۲۹/۷	۳	۳/۹	۴۲/۱	۲/۷	۵/۵
۴	۵۵/۱	۱/۸	۵/۸	۴۲/۱	۲/۹	۵/۴	۴۰/۸	۲/۹	۵/۹
۵	۴۸/۵	۱/۴	۴/۸	۳۸/۸	۲/۶	۳/۹	۴۸/۵	۲/۱	۶/۴
کل گروه	۵۱/۱	۱/۸	۵/۹	۳۶/۲	۲/۹	۴/۷	۴۳/۱	۲/۷	۶/۲

* : سطح سواد بر اساس یک مقیاس اندازه‌گیری شده که در آن برای بیسواد (۰)، خواندن و نوشتن (۱)، ابتدایی (۲)، راهنمایی (۳)، دبیرستانی (۴) و دانشگاهی (۵) فرض شده است.

مأخذ : یافته‌های تحقیق

غیرکشاورزی مشغول‌اند این نسبت‌ها به ترتیب عبارت از ۴/۸ درصد برای پنجک پنجم و ۴۲/۱ درصد برای پنجک اول است.

ج) مقایسه نسبت سهم گروه‌های پر درآمد به کم درآمد

همان طور که در قسمت‌های قبل آمد، یکی از معیارهای متداول برای بررسی وضعیت توزیع درآمد، محاسبه نسبت سهم درآمدی گروه‌های پردرآمد به کم درآمد است. در این بین محاسبه نسبت درآمدی ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به ۴۰ درصد کم درآمد از عمومیت بیشتری برخوردار است. محاسبه این نسبت در مورد گروه‌های مورد مطالعه در این پژوهش نشان داد که در مورد شاغلین بخش کشاورزی، مقدار آن ۶/۹۷ ، برای شاغلین بخش غیرکشاورزی برابر با ۳/۵۱ و برای گروهی که هم به کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال دارند؛ مقدار آن ۲/۶ می‌باشد. این بدان معناست که درآمد ۲۰ درصد از پردرآمدترین کشاورزان، حدود هفت برابر بیشتر از درآمد۴۰ درصد از فقیرترین کشاورزان است. این نسبت برای دو گروه دیگر به ترتیب عبارت از ۳/۵۱ و ۲/۶ است.

لازم به ذکر است که نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج به دست آمده در کشورهای مختلف از جمله مصر، هندوستان، تانزانیا، اکوادور و منطقه آمریکای لاتین نیز مطابقت داشت. البته به جز کشورهای آفریقایی و اردن که نتایج به دست آمده در این کشورها عکس نتایج به دست آمده در این پژوهش بود.

در ادامه به منظورآشنایی با متغیرهای تأثیرگذار بر سطح و توزیع درآمد در منطقهٔ مورد مطالعه، به بررسی برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۲. مقایسه برخی متغیرهای تأثیرگذار بر وضعیت توزیع درآمد در منطقه مورد مطالعه

الف) سن، سطح تحصیلات و تعداد خانواده

جدول ۴ میانگین‌های سه متغیر سن، سطح تحصیلات و تعداد افراد خانواده مورد مطالعه را در سه گروه شغلی و به تفکیک هر یک از پنجک‌های درآمد نشان می‌دهد.

این جدول نشان می‌دهد که گروه شاغل در بخش کشاورزی از لحاظ سنی نسبت به گروه شاغل در بخش غیرکشاورزی و گروه شاغل در هر دو بخش کشاورزی و غیرکشاورزی مسن‌ترند. در نتیجه افراد جوان برای انجام کارهای غیرکشاورزی نسبت به کشاورزی تمایل بیشتری دارند.

[Downloaded from iutjournals.iut.ac.ir on 2026-02-05]

[DOR: 20.1001.1.24763594.1385.10.2.2.9]

جدول ۵. میانگین سطح اراضی مختلف (هکتار) و تعداد احشام (رأس) به تفکیک گروه شغلی و پنجک درآمدی

پنجک	کشاورزی					کشاورزی و غیرکشاورزی				
	آبی	دیم	باغی	زیرکشت	احشام	آبی	دیم	باغی	زیرکشت	احشام
۱	۱۴/۱	۵/۲	۰/۳۵	۱۰/۲	۴۰/۴	۷/۸	۲/۸	۰/۷۳	۹/۷	۱۰/۳
۲	۷/۱	۲	۰/۴۲	۶/۱	۱۵/۸	۹	۲/۲	۰/۱۱	۹	۱۰/۸
۳	۶/۳	۱/۲	۰/۳۷	۳/۸	۱۴/۷	۱۱/۲	۳	۰/۴۸	۵/۷	۵/۵
۴	۶/۷	۱/۳	۰/۳۵	۶/۳	۱۰	۴/۹	۰/۷	۰/۲۳	۵/۸	۱۱/۴
۵	۶/۱	۱/۴	۰/۲۴	۴/۳	۷/۱	۳/۷	۰/۳	۰/۰۹	۳/۵	۱/۵
کل گروه	۸/۱	۲/۳	۰/۳۵	۶/۲	۱۷/۷	۷/۴	۱/۶	۰/۳۳	۶/۸	۸

مأخذ : یافته‌های تحقیق

جدول ۶. میانگین سطح درآمد سالیانه سه گروه شغلی مورد مطالعه به تفکیک هر یک از پنجک‌های درآمدی(ریال)

پنجک	کشاورزی	غیرکشاورزی	کشاورزی و غیرکشاورزی
۱	۲۵،۵۱۵،۳۲۵	۱۴،۷۲۰،۲۲۶	۱۸،۳۶۸،۰۰۰
۲	۱۰،۴۰۵،۵۰۳	۷،۵۴۱،۱۲۱	۱۰،۴۵۶،۸۶۶
۳	۵،۷۵۸،۴۹۰	۴،۷۹۷،۶۵۴	۷،۶۱۰،۰۱۵
۴	۲،۹۹۲،۵۴۵	۳،۱۲۰،۲۵۰	۵،۰۰۷،۳۴۰
۵	۷۰۴،۸۰۵	۱،۳۱۶،۱۰۰	۲،۲۱۱،۶۹۰
کل گروه	۹،۰۷۵،۳۱۰	۶،۲۹۹،۰۷۰	۸،۷۳۰،۷۸۲

مأخذ : یافته‌های تحقیق

از لحاظ سطح سواد، گروه شاغل در بخش کشاورزی دارای سواد کمتری هستند. این بدان مفهوم است که افراد دارای تحصیلات بالاتر به انجام فعالیت‌های غیرکشاورزی نسبت به کشاورزی گرایش بیشتری دارند. مقایسه تعداد افراد خانواه در بین سه گروه، حکایت از پر جمعیتی خانوارهایی دارد که به هر دو شغل کشاورزی و غیرکشاورزی اشتغال دارند.

ب) میانگین سطح اراضی مختلف و واحد دامی

در جدول ۵ میانگین سطح اراضی زراعی آبی و دیم، باغی، زیرکشت و هم‌چنین میانگین تعداد احشام برای دو گروه کشاورزان و افرادی که هم به کار کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال دارند به تفکیک هر یک از پنجک‌های درآمدی مقایسه شده است. همان طور که در این جدول ملاحظه می‌گردد، تقریباً پنجک‌های درآمدی بالاتر از میانگین سطح اراضی و تعداد احشام بیشتری برخوردار بوده‌اند.

ج) میانگین سطح درآمد

جدول ۶ میانگین سطح درآمد سالیانه سه گروه شغلی مورد مطالعه را به تفکیک هر یک از پنجک‌های درآمدی نشان می‌دهد.

[Downloaded from iutjournals.iut.ac.ir on 2026-02-05]

[DOR: 20.1001.1.24763594.1385.10.2.2.9]

داده‌های این جدول حاکی از آن است که اگر چه میانگین درآمد در بین گروه شاغل به فعالیت‌های کشاورزی نسبت به دو گروه دیگر بالاتر است، اما این درآمد به گونه‌ای نامتعادل در بین لایه‌های مختلف جمعیت پراکنده شده است. به طوری که اقشار پایین جامعه، سهم ناچیزی از درآمد حاصل از بخش کشاورزی را به خود اختصاص داده‌اند. این وضعیت در مورد دو گروه دیگر متعادل‌تر است. هم‌چنین میانگین درآمد در بین افرادی که تنها به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال دارند خیلی پایین‌تر از سایر افراد به ویژه کشاورزان است. ولی میانگین درآمد افرادی که علاوه برکشاورزی به فعالیت‌های غیرکشاورزی نیز اشتغال دارند، تفاوت زیادی با افراد شاغل در بخش کشاورزی ندارد. در نتیجه پرداختن به فعالیت غیرکشاورزی برای کشاورزان در سطح نواحی روستایی با افزایش تعداد منابع درآمد آنها ریسک درآمدی خانواده را که ناشی از وابستگی کشاورزی خانواده به اقلیم و عوامل محیطی است، کاهش داده، به بهبود وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی نیز منجر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهایی که تنها به فعالیت‌های کشاورزی اشتغال دارند، نسبت به خانوارهایی که تنها به فعالیت‌های غیرکشاورزی مشغول‌اند یا نسبت به خانوارهایی که هم به کشاورزی و هم به فعالیت‌های غیرکشاورزی اشتغال دارند بدتر است. هم‌چنین میانگین درآمد سالیانه افرادی که تنها در بخش کشاورزی اشتغال دارند بیشتر از دو گروه دیگر است. ولی این درآمد به گونه‌ای نابرابر در بین خانوارها توزیع شده است. به طوری که ۵۶/۵ درصد از کل درآمدهای بخش کشاورزی تنها به جیب ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد شاغل در این بخش می‌رود. این میزان برای ۱۰ درصد از ثروتمندترین کشاورزان ۳۸/۳ درصد می‌باشد. هم‌چنین بر اساس نتایج این پژوهش، اشتغال در فعالیت‌های غیرکشاورزی در کنار کشاورزی نه تنها میانگین درآمد سالیانه خانواده را کاهش نمی‌دهد، بلکه به بهبود توزیع درآمد در بین خانوارهای ساکن در نواحی روستایی نیز منجر می‌گردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی در نواحی روستایی، به ویژه صنایع مرتبط با بخش کشاورزی از جمله صنایع تبدیل و فرآوری محصولات غذایی و با توجه به گرایش بیشتر افراد تحصیلکرده و جوان روستایی به این قبیل فعالیت‌ها، علاوه برکمک به اشتغال زایی در نواحی روستایی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان، موجبات بهبود وضعیت توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در سطح نواحی روستایی فراهم شود.

منابع مورد استفاده

۱. آسایش، ح. ۱۳۷۶. بررسی پدیده فقر و محرومیت در ایران: نابرابری و شکاف بین شهر و روستا در ایران. جهاد ۲۰۰ و ۲۰۱: ۱۲– ۲۱.

۲. ارسلان بد، م. ۱۳۷۹. مقایسه تغییرات توزیع مصرف در مناطق روستایی و شهری ایران. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی۴(۴): ۱۱–۱۷.

۳. توده روستا، م. و ج. میر محمد صادقی. ۱۳۸۲. بررسی توزیع درآمد کشاورزان شهرستان ساوجبلاغ و عوامل مؤثر بر آن. علوم و فنون کشاورزی ۷(۲): ۵۳–۶۷.

۴. دیاس، اچ. دی. و بی. دبلیو. ای. ویکراماناياک. ۱۳۷۷. *درسنامهٔ برنامه ریزی و توسعه (ترجمهٔ: ناصر فرید)*. وزارت جهاد سازندگی، تهران.

[Downloaded from iutjournals.iut.ac.ir on 2026-02-05]

[DOR: 20.1001.1.24763594.1385.10.2.2.9]

۵. روزبهان، ب. ۱۳۷۶. *مبانی توسعه اقتصادی*. انتشارات بازتاب، تهران.

۶. کوپاهی، م. ۱۳۵۶. مطالعه اقتصادی روستاهای شهرستان کرج. علوم کشاورزی ایران (۱ و۲):۲۱-۳۹.

۷. مرکز آمار ایران. ۱۳۷۶. *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ نتایج تفصیلی شهرستان قوچان*. انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.

۸. هسته مطالعاتی فقر. ۱۳۷۷. *روستا، فقر، توسعه*. سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۱، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، تهران.

9. Canagarajah, S., C. Newman and R. Bhattamishra. 2001. Non-farm income, gender and inequality: evidence from rural Ghana and Uganda. Food Policy 26: 405-420.
10. Deininger, K. and P. Olinton. 2001. Rural Non-farm employment and income diversification in Colombia. World Develop. 29(3): 455-465.
11. Lanjouw, P. 1999. Rural Non-agricultural employment and poverty in Ecuador. Econ. Develop. and Cultural Changes 48(1): 91-123.
12. Lanjouw, P. 2001. Non-farm employment and poverty in rural Elsalvador. World Develop. 29(3): 529-547.
13. Lanjow, P. and A. Sharif. 1999. Rural poverty and Non-farm employment in India: Evidence from Survey Data. Mimeo, Department of Development Economics, Free University of Amsterdam.
14. Lanjouw, P. and P. Sparrow. 1999. Non-agricultural earning in periurban areas of Tanzania: evidence from household survey data. Development Economics Research Group, World Bank, Free University of Amsterdam.
15. Parthasarathy, G. and B. Sambiraddy. 1998. Departments of rural Non-agricultural employment: The Indian Case. The Indian J. Agric. Econ. 53(2): 141-154.
16. Reardon, T. and et.al. 2000. Effects of Non-farm employment on rural income inequality in developing countries: An investment perspective. J. Agric. Econ. 51(2): 266-288.
17. Richard, H. and Jr. Adams. 2001. Non-farm income, inequality and poverty in rural Egypt and Jordan. PRMPO, MSN MC4-415, World Bank, Washington, DC.

[Downloaded from iutjournals.iut.ac.ir on 2026-02-05]

[DOR: 20.1001.1.24763594.1385.10.2.2.9]